



# بحران قره‌باغ: علل احیاء و چشم‌انداز آینده

دکتر محمدعلی قاسمی\*

## اشاره:

بحران قره‌باغ، کوهستانی که در حدود بیست سال مسکوت و منجمد به نظر می‌رسید، در اوایل فروردین ماه برای مدت ۵ روز به بحرانی تمام عیار تبدیل شد. تحلیل‌گران مختلف چهار کشور آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و روسیه را متهم به آغاز و یا تحریک به شروع جنگ کرده‌اند. ظاهراً محققان متفق‌القول‌اند که روسیه اصلی‌ترین بازیگر دخیل در بحران بوده و بدون اراده روسیه، بحران هم خاتمه نخواهد یافت.

## مقدمه

پژوهشگران پیشینه بحران قره‌باغ را به اوایل قرن نوزدهم و قراردادهای ادرنه (سال ۱۸۲۹) بین روسیه و عثمانی و ترکمنچای (۱۸۲۸) بین ایران و روسیه باز می‌گردانند. بر اساس مفاد معاهدات فوق، کوچ آرامنه به داخل قلمرو روسیه، تسهیل می‌شد. در نتیجه تحول مزبور به مرور و طی یک سده، ساخت و بافت جمعیتی منطقه تغییر قابل ملاحظه‌ای را شاهد بود و با آغاز جنگ جهانی به جنگ ارمنی - مسلمان انجامید. اگر چه حکومت شوروی بر این خصومت سر پوش نهاد، اما با پیدایش علایم زوال در حکومت شوروی و از سال ۱۹۸۸ فعالیت‌ها برای الحاق قره‌باغ به خاک ارمنستان تشدید شد. با استقلال دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان، مسئله صورت جنگ بین دو جمهوری به خود گرفت. ضعف دولت آذربایجان و حمایت روسیه از آرامنه، به

علاوه اختلافات داخلی و سیاسی در داخل جمهوری آذربایجان موجب شد که نه فقط قره‌باغ که در مجموع یک پنجم خاک این جمهوری تحت اشغال ارمنستان و جمهوری خود خوانده قره‌باغ در آید. قطعنامه‌های بین‌المللی ۸۲۲ (آوریل ۱۹۹۳) که توسل به زور در تغییر مرزها را محکوم می‌کرد و خواستار تخلیه اراضی اشغالی جمهوری آذربایجان بود و همین‌طور قطعنامه ۸۵۳ (۸۸۳ نوامبر ۱۹۹۳) که بر حاکمیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و تخلیه کلیه مناطق اشغالی تأکید داشت، هیچ یک نه فقط کمکی به حل بحران نکرد، بلکه حتی آشتی هم میان طرفین، برقرار ننمود. در نهایت در ماه مه ۱۹۹۴ با مساعی سازمان ملل، توافق بیشکک به عنوان توافق آتش‌بس به دست آمد و به صورت نیم‌بند تاکنون برقرار مانده بود. با این حال تاکنون راه‌حل‌ها و مدل‌های مختلفی برای حل بحران پیشنهاد شده است که از طرف دو جمهوری و به ویژه ارمنستان رد شده است. برای مثال طرح مادرید که در جریان تحولات اخیر بار دیگر مطرح شد، تأکید می‌کند که اراضی اشغالی جمهوری آذربایجان طی دو مرحله تخلیه می‌شود و پس از آن درباره آینده قره‌باغ و شکل اداره آن مذاکره می‌شود. اما از آنجا که طرف ارمنی همواره بر استقلال منطقه و الحاق آن به ارمنستان و نه هیچ راه‌حل دیگر اصرار کرده، چنین طرح‌هایی



راه به جایی نبرده‌اند. کما اینکه آلبرت آندریان نماینده قره‌باغ در مسکو، در مصاحبه اخیرش گفته است که هیچ‌گاه با خودمختاری گسترده در چارچوب آذربایجان موافقت نخواهند کرد. سؤالی که اینک ذهن ناظران مسائل منطقه را مشغول کرده است، چرایی احیای بحران و تأثیرات منطقه‌ای آن است. بحرانی که به مدت دو دهه ظاهراً مسکوت مانده بود، چرا در این زمان - که بحران‌های متعدد منطقه‌ای وجود دارد - سر باز کرده است؟ پاسخ‌هایی که به این سؤال داده‌اند اغلب یکی از چهار بازیگر مهم بحران، جمهوری ارمنستان، جمهوری آذربایجان، روسیه و ترکیه را مقصر دانسته‌اند. برای مثال گروه بین‌المللی بحران، معتقد است که مسکو و آنکارا از درگیری و تهدید برای کشاندن حریف به پای میز مذاکره و کسب امتیاز استفاده می‌کنند. بعضی تحلیل‌گران هم این جنگ را جنگ نیابتی جدیدی می‌دانند که بر خلاف موارد سابق، این بار بازیگران آن نه گروه‌ها و جریان‌ها که دولت‌های مستقل بوده‌اند. در این نوشتار ابتدا احتمالات مربوط به آغازگر جنگ را بررسی خواهیم کرد، سپس به تبعات بحران برای ایران اشاره خواهد شد و در انتها نیز چشم‌انداز آینده آن تحلیل خواهد شد.

### بحران را چه کسی احیاء کرد؟

بعضی ناظران بر این اعتقادند که آتش‌بس هیچ‌گاه به صورت مطلوبی اجراء نشده است و همواره درگیری‌های کنترل شده و مختصر وجود داشته است. برای مثال در جریان این قبیل درگیری‌های پراکنده طی دو سال اخیر، حدود ۶۰ تن جان باخته‌اند. اما شدت و وسعت تلفات نبرد اخیر که از ۱۳ فروردین آغاز شد و در ۱۷ فروردین با آتش‌بس شکننده‌ای پایان یافت، بی‌سابقه بود. کدام کشور می‌تواند آغازگر جنگ باشد و از آن منتفع شود؟

۱. **ارمنستان:** به نظر می‌رسد که ارمنستان کمترین نفع را در آغاز مجدد بحران داشته باشد کما اینکه متضرر از آن خارج شد؛ این جمهوری با بحران اقتصادی و معضلات مهمی چون فقر، بیکاری، کمبود انرژی و سوخت مواجه بوده و این امر از اعتراضات خیابانی مخالفان حکومت هم هویداست، رشد جمعیت ارمنستان منفی بوده و هزاران ارمنی برای یافتن شغل، عازم کشورهای دیگر می‌شوند. برای مثال گفته می‌شود که حدود یک صد هزار کارگر ارمنی به صورت قاچاق در ترکیه کار می‌کنند. در این شرایط آیا ممکن

است ارمنستان برای انحراف افکار عمومی و جلب رضایت متحدان و احیاناً کمک‌های دیاسپورای ارمنی دست به این اقدام زده باشد؟ به نظر می‌رسد با وجود اطلاع کافی از برتری نظامی نسبی جمهوری آذربایجان این گزینه محتمل نیست. احتمال دیگر آن است که روسیه، ایروان را وادار به آغاز منازعه کرده باشد. روسیه همواره از جنگ قره‌باغ به عنوان ابزاری برای کنترل دو جمهوری استفاده کرده و در صورت مشاهده رفتاری نامطلوب، با این مناقشه، آنها را وادار به قبول موضع روسیه کرده است. حتی بعضی ناظران از گروگان‌گیری دو کشور و بالاخص ارمنستان بحث کرده‌اند؛ برای مثال ارمنستان اتحاد گمرکی با روسیه را به جای ورود به اتحاد گمرکی با اتحادیه اروپا پذیرفت. روسیه با ارمنستان اتحاد دفاعی ۴۹ ساله امضاء کرده است و دو پایگاه گيومری و اربونی<sup>۱</sup> از مراکز اصلی استقرار روس‌ها در این کشور و در جانب مرز ارمنستان و ترکیه قرار دارند. گفته می‌شود پس از بروز بحران سرنگونی هواپیمای روسی توسط ترکیه یک اسکادران روسی در ارمنستان مستقر شده و در آینده سیستم موشکی اس - ۳۰۰ هم در این جمهوری مستقر خواهد شد. نفوذ روسیه به حدی در ارمنستان قوی است که در ماجرای قتل عام یک خانواده ارمنی در شهر گومری توسط نظامی روس (سال ۲۰۱۰)، علی‌رغم تظاهرات مردمی، هیچ‌گاه فرد مذکور محاکمه نشد و به مسکو اعزام گردید (کاپیتولاسیون روسی). به هر حال؛ توجه به شرایط فوق می‌تواند دو هدف را برای روس‌ها از آغاز جنگ در

1. Erebuni

این وضع بی طرفی ظاهری روسیه را هم مخدوش می کند.  
**۲. آذربایجان:** به نظر می رسد قوی ترین انگیزه را برای شروع بحران، جمهوری آذربایجان داشته باشد. مهم ترین عواملی که ممکن است این جمهوری را به جنگ سوق داده باشد از قرار زیر خواهد بود؛

افشای اسناد موسوم به «اوراق پاناما» که فرارهای مالیاتی و تخلفات مالی بسیاری از سران و سرشناسان جهان را آشکار می کرد و حاوی اسنادی درباره مسائل مالی رئیس جمهور آذربایجان یا خانواده وی هم بوده، موجب شده است تا الهام علی اف بحران را به سطحی بالاتر انتقال دهد.

الف) جمهوری آذربایجان ممکن است برای انحراف افکار عمومی از مشکلات اقتصادی دست به تشدید مناقشه زده باشد. این جمهوری، مانند عموم کشورهای نفت خیز با بحران اقتصادی مواجه است و اعتراضاتی در بعضی شهرها صورت گرفته است. لذا ممکن است برای تقویت احساسات ناسیونالیستی و جلب توجهات به موضوعی مهم تر و میبرم تر، دست به تشدید بحران زده باشد.

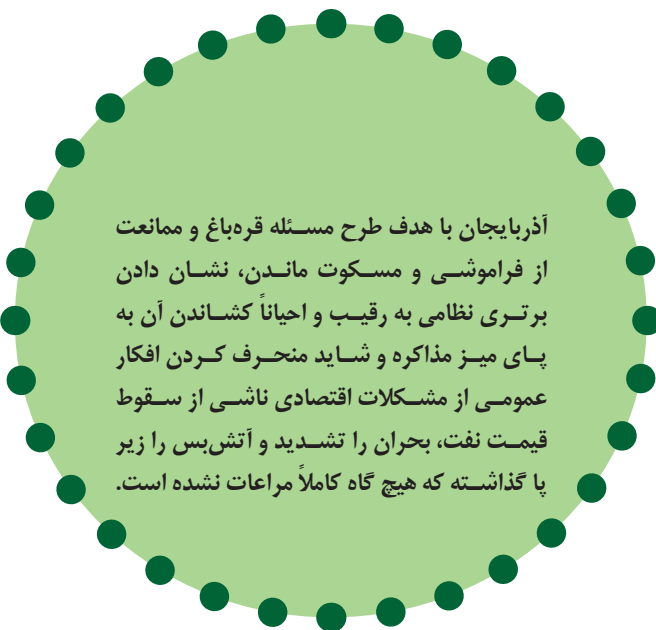
ب) افشای اسناد موسوم به «اوراق پاناما» که فرارهای مالیاتی و تخلفات مالی بسیاری از سران و سرشناسان جهان را آشکار می کرد و حاوی اسنادی درباره مسائل مالی رئیس جمهور آذربایجان یا خانواده وی هم بوده، موجب شده است تا الهام علی اف بحران را به سطحی بالاتر انتقال دهد. اگرچه به رغم اینکه اسنادی از خانواده علی اف در این اوراق وجود دارد، بعید به نظر می رسد که چنین دلیلی برای تشدید بحران کافی باشد.

ج) تازه کردن بحران و رفع کهنگی از آن می تواند انگیزه ای برای افزایش سطح مناقشه باشد. هر قدر تداوم وضع فعلی برای حکومت ارمنه قره باغ و جمهوری ارمنستان مطلوب باشد، برای آذربایجان

نظر گرفت؛ تنبیه جمهوری آذربایجان به دلیل روابط استراتژیکی که با ترکیه دارد و باب طبع روس ها نیست؛ برای مثال پس از بحران بین مسکو و آنکارا و ممانعت روسیه از ترانزیت کامیون های حامل بار ترکیه به آسیای مرکزی، باکو تدبیری اندیشید و با استفاده از کشتیرانی خزر، این اجناس را به آسیای مرکزی منتقل کرد و مسیر جدیدی گشود. از این رو سفر الهام علی اف به آنکارا (در اسفند ماه) و در فضای متشنج روابط ترکیه و روسیه ممکن است باعث نارضایتی مسکو شده باشد. احتمال دوم، تلاش روسیه برای کشاندن ترکیه به مناقشه است. روسیه از اقدامات و مواضع ترکیه ناخشنود است و با توجه به حساسیت افکار عمومی ترکیه نسبت به بحران قره باغ، ممکن است تلاش کرده باشد تا ترکیه به منازعه وارد شود و لذا روسیه فرصت ضربه زدن به ترکیه را پیدا کند (کما اینکه به وجود پایگاه های روسی در شرق ترکیه اشاره شد). این تحلیل با دو نقطه ضعف مواجه است؛ اولاً روسیه در گیر بحران های بین المللی متعددی در اوکراین، سوریه، روابط با اتحادیه اروپا و مشکلات مهم اقتصادی ناشی از کاهش شدید قیمت نفت است. بنابراین افزودن یک بحران جدید به آنها به نفع روسیه نیست. ثانیاً تشدید بحران موجب می شود که روسیه در نهایت جانب ارمنستان را بگیرد (به دلیل مختلف و از جمله پیمان دفاعی مشترک) لذا روابط ویژه ای که مسکو در تلاش بوده است با جمهوری آذربایجان برقرار کند به زیر سؤال می رود. نباید فراموش کرد آذربایجان حدود ۴ میلیارد دلار سلاح از روسیه خریداری کرده است. ضمن اینکه



نامطلوب است. زیرا تداوم وضع موجود و تطویل مسئله ممکن است جدایی این مناطق از خاک آذربایجان را به امری واقع<sup>۱</sup> و وضع دوفاکتو را به تدریج به حالت دو ژوره در آورد. تلاش ارمنستان برای تغییر بافت جمعیتی که با مهاجرت اجباری آذربایجانی‌ها همراه بوده است، یکی از این نگرانی‌هاست. گزارش‌هایی وجود دارد دال بر اینکه ارمنستان بخشی از ارامنه سوریه را در این منطقه اسکان داده است لذا یادآوری وضع قره‌باغ و تحت اشغال بودن آن، می‌تواند از اهداف تشدید مناقشه باشد. ضمن اینکه تشدید بحران پاسخی به انفعال روسیه و همراهی ظاهری آن با ارمنستان و به تحرک و داشتن گروه مینسک هم می‌تواند تلقی شود.



۲۰۱۱ به ۳/۱ میلیارد دلار و در ۲۰۱۴ به رقم ۳/۸ میلیارد دلار بالغ شده است. این رقم حدود ۲۰ درصد بودجه کشور بوده است. در این باره خریدهای تسلیحاتی جمهوری آذربایجان شهرت یافته است؛ قرارداد ۱/۶ میلیارد دلاری سلاح‌های پیشرفته از اسرائیل که در اکتبر ۲۰۱۱ منعقد شد و انتقادات ایران را هم به دنبال داشت، مربوط به خرید انواع پهپادها و هواپیماهای بدون سرنشین از نوع اربیتتر ۲M، پهپادهای متوسط هرمس - ۴۰۰، آروستار و سیستم‌های راداری هشدار اولیه گرین‌پاین که ساخت شرکت الیت بود و مجموعاً شامل خرید ۱۰۰ پهپاد و قرارداد تولید مشترک ۶۰ آروستار و اربیتتر و پهپادهای بلند پرواز هرون - ت. پی می‌شد. اگرچه مقامات اسرائیلی از این قراردادها تلقی فشار وارد کردن بر ایران و احیاناً ابراز نارضایتی نسبت به روسیه را دنبال می‌کنند، اما برای جمهوری آذربایجان، پهپادهای مختلف و سیله مناسبی هم جهت پیشبرد فعالیت‌های اطلاعاتی نظامی است و هم در جریان جنگ، با آنها به اقدامات نظامی هم متوسل می‌شود. سکوت حقوق بین‌الملل درباره پهپادها هم آن را به وسیله‌ای و سوسه‌انگیز تبدیل کرده است. قراردادهای و فعالیت‌های نظامی و دفاعی جمهوری آذربایجان به موارد فوق محدود نمی‌شود و می‌توان به همکاری با ارتش پاکستان برای ساخت بمب‌های مختلف، اعزام ۵ هزار نیروی نظامی برای آموزش امور نظامی و تسلیحاتی به ترکیه و همکاری‌های تسلیحاتی گسترده با این کشور هم اشاره کرد. از حیث نفرات هم ارتش آذربایجان یک و نیم برابر ارمنستان

(د) به نمایش گذاشتن برتری تسلیحاتی و داشتن دست بالا در مذاکرات هم یکی از اهداف آذربایجان می‌تواند محسوب شود. در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ که قیمت نفت در اوج بود، واردات صنایع دفاعی جمهوری آذربایجان حدود ۲۵۰ درصد رشد داشته است. در حالی که بودجه دفاعی این کشور در سال ۲۰۰۳ حدود ۱۶۰ میلیون دلار بوده در سال ۲۰۰۵ به رقم ۳۰۰ میلیون دلار و در سال ۲۰۰۹ با افزایش حدود نه برابری به ۲/۶ میلیارد دلار و در سال

1. fait accompli

آن، قدرت، نفوذ و یکه‌تازی خویش را در منطقه به رخ رقبای منطقه‌ای و جهانی کشیده است. روسیه علاوه بر فروش سلاح به ارمنستان و آذربایجان، هر دو کشور را با حوادثی مثل گرجستان و کریمه (اوکراین) مرعوب و ناتوان ساخته است. منحرف کردن افکار عمومی از مسائل اوکراین و سوریه (خروج قسمت مهمی از نیروی هوایی روسیه از این کشور) هم ممکن است از دلایل تحریک یکی از کشورها به آغاز جنگ باشد. اما به دلایلی که در بالا گفته شد و به دلیل وجود مشکلات مهمی که روسیه در نقاط دیگر دارد، انجماد و تطویل وضع پیشین برای روسیه (همانند ارمنستان) مطلوب بود.

**۴. ترمیم؛ فرضیه دیگر آن است که ممکن است ترکیه محرک آغاز نبردها باشد.** این فرض بنا را بر این می‌گذارد که اولاً اردوغان برای منحرف کردن افکار عمومی داخلی و خارجی از مشکلات منطقه‌ای و داخلی (بحران سوریه و شورش گسترده نیروهای پ.ک.ک در شهرهای جنوب شرقی این کشور اقدام به این تحریک و تشویق کرده است و ثانیاً توانایی و نفوذ ترکیه در جمهوری آذربایجان به حدی است که می‌تواند آن کشور را به آغاز جنگ وادارد. به نظر می‌رسد که حداقل فرض دوم قابل خدشه جدی است زیرا به‌رغم نزدیکی سیاست‌های دو کشور، اختلاف و تفاوت دیدگاه‌ها هم بارز است. برای نمونه در معاملات تسلیحاتی مذکور که در بالا به آن اشاره شد، قرارداد با اسرائیل زمانی منعقد شد که روابط اسرائیل و ترکیه کاملاً تیره بود. اما ابعاد دیگر این ماجرا آن است که مطبوعات ترکیه و جمهوری آذربایجان از استقرار ۴۰۰ عضو پ.ک.ک در منطقه قره‌باغ اطلاع داده‌اند و ادعا می‌شود که این گروه پایگاه‌هایی در خاک ارمنستان دارد. بنا بر گزارش سازمان‌های امنیتی ترکیه که در مطبوعات این کشور منتشر شده، فرماندهی چهار صد عضو پ.ک.ک را وازگن سیلیان، از رهبران آسالا به عهده گرفته است. آسالا سازمانی تروریستی بود که به ویژه در دهه ۱۹۸۰ دیپلمات‌های ترکیه را در پاریس، بیروت و تهران ترور کرده و در لیست سازمان‌های تروریستی قرار گرفته است. همچنین گزارش شده که در میان تک‌تیراندازان کشته شده پ.ک.ک در جنوب شرق ترکیه،

نیروی فعال و قابل بسیج دارد. در مجموع با این فعالیت وسیع، انتظار افکار عمومی و فشار رسانه‌ها معطوف به آن است که اگر این سرمایه‌گذاری و هزینه، ارزشی داشته باشد، باید برای آزادی خاک اشغال شده کشور باشد. مقامات کشور هم تحت فشار افکار عمومی و تمایل به نشان دادن برتری نظامی و کشاندن ارمنستان به پای میز مذاکره می‌توانند به تشدید درگیری‌ها، اقدام کرده باشند. کما اینکه در عمل هم نیروهای این جمهوری می‌توانستند قسمت‌هایی از مناطق اشغالی را متصرف شوند و درخواست ارمنستان را برای بازگشت به مرز قبلی جهت اعلام آتش‌بس نپذیرند. بنابراین در مجموع جو روانی به نفع جمهوری آذربایجان تغییر کرده است. این در حالی است که بودجه دفاعی ارمنستان در مقابل بسیار کمتر و حدود یک چهارم بوده و در مقطعی حتی کمتر از آن. برای مثال در سال ۲۰۱۲ بودجه دفاعی ارمنستان ۴/۷ میلیون دلار بوده که حدود یک هفتم بودجه آذربایجان است و این در شرایطی بود که هر دو کشور توسط شورای همکاری و امنیت اروپا<sup>۱</sup> تحریم تسلیحاتی بوده‌اند و هیچ گاه پای‌بند آن نمانده‌اند. کما اینکه روسیه به عنوان مهم‌ترین عضو گروه مینسک به هر دو طرف سلاح فروخته است.

**۳. روسیه؛ تحلیل گرانی که روسیه را آغازگر جنگ می‌داند به نفوذ گسترده روسیه در هر دو جمهوری اشاره می‌کنند و معتقدند که روسیه با برافروختن آتش جنگ در این منطقه و سپس متوقف کردن**

2. Vazgen Sislyan

1. OSCE

## ایران و بحران قره‌باغ

در سال‌های آغازین بحران قره‌باغ ایران حمایت صریحی از مواضع جمهوری آذربایجان داشته و تأکید کرده است که قره‌باغ خاک اسلام است. اما در سال‌های بعد موضع بی‌طرفانه‌تر و معتدل‌تری اتخاذ کرد، امری که موجب شد برخی حتی از جانبداری ایران از ارمنستان سخن بگویند. این موضع اخیر بدون تردید اغراق‌آمیز است، اما به نظر می‌رسد که نارضایتی ایران از برخی اقدامات جمهوری آذربایجان، از دلایل نگاه مثبت‌تر بعضی مطبوعات ایران نسبت به مواضع ارمنستان باشد؛

۱. نزدیکی مواضع آذربایجان به غرب و ترکیه که از زمان حکومت حیدرعلی اف در اواسط دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و شاید مهم‌تر از آن برقراری روابط با اسرائیل و قراردادهای تسلیحاتی با آن، برای ایران نامطلوب بوده است. آذربایجان در مواجهه با ارمنستان که از حمایت کامل روسیه برخوردار است، چاره‌ای غیر از کسب متحدان و جلب کشورهای غربی به منطقه نمی‌دید. اما ورود غربیان به منطقه برای ایران و روسیه قابل قبول نبود و عکس‌العمل این دو کشور موجب می‌شد که آذربایجان، ادراک تهدید خود را تأیید شده ببیند و بیشتر به غرب مایل شود. یک نمونه قابل توجه از تمایل فوق، حضور موشه یعلون وزیر جنگ اسرائیل در نمایشگاه صنایع امنیتی موسوم به آدکس، در باکو (۲۰۱۴) بود که روابط مزبور را آشکار می‌کرد.

۲. مسائل قومی و تاریخی؛ برخی

جسد هفت کماندوی ارتش ارمنستان شناسایی شده است. با وجود این، خصومت بین ارمنه و ترکیه امر تازه‌ای نیست. لذا به نظر نمی‌رسد که ترکیه عامل مهمی در آغاز درگیری باشد؛ اولاً در صورت وجود اهداف فوق برای ترکیه معلوم است که قبل از نزدیک شدن به آن اهداف، جنگ متوقف شد و لذا نتیجه‌ای عاید نشد، حال آنکه اگر ترکیه نفوذ عمیقی بر مقامات آذربایجان داشت برای تداوم جنگ فشار وارد می‌کرد. ثانیاً ترکیه خود مشکلات داخلی و منطقه‌ای فراوان دارد و کشانده شدن به یک بحران جدید آن هم با روسیه زخم خورده، برای آنکارا مطلوب نبود. سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه هم ابراز داشت که ترکیه را برای ایجاد تشنج و منازعه در قره‌باغ سرزنش نمی‌کند. این اظهار نظر نشان می‌دهد که از نظر روس‌ها نیز، ترکیه عامل تحریک و تشویق بحران نبوده است.

بحران قره‌باغ احتمالاً با قصد مطرح  
ساختن مجدد آن در عرصه بین‌المللی،  
تأکید بر حاکمیت ملی آذربایجان  
بر قره‌باغ، نشان دادن برتری  
نظامی بر ارمنستان تشدید شد.

بنابراین به نظر می‌رسد محتمل‌ترین فرضیه آن است که جمهوری آذربایجان با هدف طرح مسئله قره‌باغ و ممانعت از فراموشی و مسکوت ماندن، نشان دادن برتری نظامی به رقیب و احیاناً کشاندن آن به پای میز مذاکره و شاید منحرف کردن افکار عمومی از مشکلات اقتصادی ناشی از سقوط قیمت نفت، بحران را تشدید و آتش‌بس را زیر پا گذاشته که هیچ‌گاه کاملاً مراعات نشده است.



طرف وارد گفتگو شدند و علاوه بر مذاکرات تلفنی وزیر خارجه با وزرای خارجه دو کشور درگیر، آقای روحانی رئیس جمهور هم، تلفنی با الهام علی‌اف و سرژ سرگیسیان گفتگو کرد. در این میان همزمانی چهارمین اجلاس سه جانبه وزرای خارجه ایران، ترکیه و آذربایجان نیز با بحران موجب رایزنی‌های بیشتر شد. بعد از دیدار سه جانبه مزبور در رامسر، دکتر ظریف به باکو سفر کرد و در دیدار سه جانبه وزرای خارجه ایران، روسیه و آذربایجان از مساعی جمیله ایران و امکان میانجی‌گری در حل بحران سخن گفت. اگرچه این قبیل ابتکارهای بین‌المللی مفید بوده و نشان از حضور دیپلماتیک ایران و ظرفیت آن دارد، اما بنا به دلایلی که گفته شده و خواهد شد، بازیگر اصلی بحران روسیه است و به نظر می‌رسد همان طور که در دهه ۹۰ اجازه اجرایی شدن توافق تهران را نداد، این بار هم اجازه مداخله به ایران را نمی‌دهد.

### چشم‌انداز آینده بحران قره‌باغ

زمانی لئون ترپتروسیان، رئیس جمهور اسبق ارمنستان گفته بود که عدم توافق به نظرات طرفین بحران، بستگی ندارد. در واقع روسیه در تداوم بحران نقش اصلی را ایفا می‌کند و به نظر می‌رسد که می‌کوشد با تطویل آن، منافع خود از هر دو کشور را دنبال کند. برای مثال جمهوری آذربایجان را تشویق کرده تا نیمی از گاز خود را به روسیه، یعنی بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز جهان بفروشد. هدف از این اقدام وابسته‌تر کردن این کشور و اعمال کنترل بیشتر بر گاز اروپا بوده است. حل و فصل بحران، جای پای روسیه در منطقه و وابستگی دو کشور به مسکو را تضعیف خواهد کرد، لذا به نظر می‌رسد که بحران با شرایط فعلی مدت‌ها تداوم داشته باشد. گروه مینسک که از طریق سازمان امنیت و همکاری اروپا برای بررسی و ارائه راه‌حل بحران تشکیل شده و سه کشور روسیه، آمریکا و فرانسه در آن ریاست مشترک دارند تا کنون هیچ موفقیت قابل‌ذکری نداشته است؛ گذشته از آنکه روسیه خود به حد کافی کارشکنی می‌کند، فرانسه جانبدار ارمنستان است و لابی ارمنی قدرتمندی در آمریکا و فرانسه وجود دارد. با این حال گروه مینسک نه در نقض آتش‌بس‌ها اقدامی کرده و نه توانسته ارمنستان را به ترک مناطق اشغالی وادارد. ورود گروه مینسک در بحران اخیر هم با حضور ایگور پوپوف نماینده روسیه، پی‌یر اندریو

ناظران مسائل منطقه معتقدند که افکار و جریان‌های پان‌ترکیست و پان‌آدریست در جمهوری آذربایجان در پی تحریک مسائل قومی ایران و تشویق گروه‌های تجزیه‌طلب هستند. بعضی دیگر به کتب درسی و نشریات منتشره در این کشور اشاره می‌کنند و معتقدند که جریان‌ها و دولت آذربایجان در پی تحریف تاریخ ایران و آذربایجان و ارائه تاریخی ضد ایرانی‌اند. اگرچه این برداشت‌های اشتباه به مرور تصحیح می‌شوند و تصور این برداشت‌ها را در دو دهه اخیر هم می‌توان مشاهده کرد.

۳. رفتار و سیاست مذهبی حکومت آذربایجان؛ تأکید بر سکولاریسم و مبارزه حکومت با بعضی مظاهر دینی و مداخله در برخی مراسم‌های مذهبی و... از دلایل بروز اختلاف بین دو کشور بوده است. قضایای نادران از سمبل‌های این اختلافات است. با این حال به نظر می‌رسد که ایران باید سیاست اعتدالی را حفظ کند؛ زیرا تمایل به یکی از دو طرف برای ایران مضر و خطرناک خواهد بود؛ حمایت از جمهوری آذربایجان به تیرگی روابط با ارمنستان و احیاناً عدم تعادل در منطقه دامن خواهد زد و حمایت از ارمنستان هم نارضایتی اقشار مذهبی و احیاناً گروه‌های قومی را موجب خواهد شد و همچنین جمهوری آذربایجان را به سمت مخالفان ایران سوق خواهد داد. لذا ایران با این شرایط از تشدید بحران منتفع نخواهد شد زیرا تداوم این وضع ایران را به اتخاذ موضع جانبدارانه وادار خواهد کرد. احتمالاً به همین دلیل بود که مقامات ایرانی بلافاصله با هر دو



نماینده فرانسه و جیمز وارلیک فرستاده آمریکا، نتیجه ملموسی به بار نیاورد. با آنکه جیمز وارلیک، بر اعاده اراضی آذربایجان تأکید کرد، اما به نظر می‌رسد که این دور از مذاکرات و دیدارها هم نتایج چندانی نداشته باشد.

بر تری نظامی جمهوری آذربایجان که سرژ سرگیسیان هم در دیدار با آنگلا مرکل بر آن صحه گذاشت، در عمل و در برخورد با مانع روسیه نمی‌تواند کار آیی زیادی داشته باشد. کما اینکه قطعنامه‌های سازمان ملل هم هیچ‌گاه اجرایی نشده است. به نظر می‌رسد که اروپاییان و آمریکا به دلیل مشکلات مختلف (من جمله مسئله اوکراین در حال حاضر)، پذیرفته‌اند که قفقاز حوزه نفوذ روسیه بوده و این کشور در آنجا فعال مایشاء باشد. این در حالی است که احتمال ورود عناصر جدید به بحران وجود دارد؛ گفته می‌شود بعضی اعضای قفقازی داعش و عناصر افراطی مشابه مایل‌اند در بحران وارد شوند و گزارش‌هایی از بازگشت اعضای آذربایجانی داعش برای شرکت در جنگ هم منتشر شده است. این امر می‌تواند یک کانون بحرانی جدیدی باز کند، گرچه پتانسیل آن به شدت نقاطی مانند عراق نیست. بعضی کشورهای اسلامی ابراز تمایل کرده‌اند که به آذربایجان در بازپس‌گیری مناطق اشغالی کمک کنند. عربستان، پاکستان و یمن به دلیل اشغال قره‌باغ، حکومت ارمنستان را به رسمیت نمی‌شناسند. سفر علی‌اف در فروردین ۱۳۹۴ به عربستان و زیارت کعبه، می‌توانست تأکید بر رابطه یک دولت شیعه و عربستان داشته باشد. حمایت صریح عربستان، پاکستان و ترکیه و احتمالاً بعضی کشورهای اسلامی دیگر می‌تواند کفه آذربایجان را سنگین‌تر کرده و موضع بیطرفانه ایران را هم تحت فشار قرار دهد. در مجموع به نظر می‌رسد با تداوم هیمنه روسیه بر منطقه و دو طرف بحران، وجود مشکلات بین‌المللی که منطقه و جهان را به خود مشغول کرده، تداوم گرایش‌های رادیکال در ارمنستان و قره‌باغ، بحران علی‌رغم اُفت و خیزهایی در کوتاه‌مدت به روال سابق تداوم یابد.

### نتیجه‌گیری

بحران قره‌باغ احتمالاً با قصد مطرح ساختن مجدد آن در عرصه بین‌المللی، تأکید بر حاکمیت ملی آذربایجان بر قره‌باغ، نشان دادن برتری نظامی بر ارمنستان تشدید شد. اما با توجه به سیطره

روسیه بر دو کشور درگیر و تمایل این کشور به حفظ وضع موجود و عدم توانایی سازمان‌های بین‌المللی در وساطت و واداشتن طرفین به مذاکره و سازش، این بحران تداوم خواهد یافت. در این میان ایران باید بکوشد موضعی متعادل اتخاذ کند. نزدیکی بیشتر به ارمنستان، گذشته از نارضایتی‌های داخلی، موجب گرایش بیشتر جمهوری آذربایجان به غرب، آمریکا و مخالفان ایران خواهد شد. ضمن اینکه حمایت ایران از آذربایجان نیز بی‌طرفی را نفی کرده و تقابل با روسیه را منجر خواهد شد. در این میان شاید تهدید ورود عناصر جدید، مثل گروه‌های افراطی بتواند روسیه را وادارد تا در حل بحران بکوشد زیرا روسیه همه اهرم‌ها و راهکارهای حل بحران را در اختیار دارد، ضمن اینکه با مشکل تروریسم در داخل خاک خود و منطقه مواجه است. با این حال احتمال تبدیل بحران، به بحرانی بین‌المللی در مقیاس وسیع منتفی نیست.

